

سال دوم

فکر و فرهنگ

صفحه ۲۴۴

دی ماه ۱۳۰۴

شماره ۱۰

تکامل و انقلاب

- ۱ -

اولوسیون و رولوسیون

ÉVOLUTION - RÉVOLUTION

از تکامل بجا و ای جا در چراید و نطقها و کنقراندها خیلی
 حوالده و شنیده ایم . در ایران ، مخصوصاً ، تمام اشخاص با دستجات
 مخالف بدون اینکه پیشتر معنی علمی این کلمه را (که در زبان
 خارجی میتوانش همان تاز و وارد خوانند) بفهمند ، لفظ تکامل (évolution)
 را برای اثبات مدعای خود و اطلاق ادعای طرف دیگر می آورند .
 تکامل راها شنیده است که در قضایای جاریه روزانه یکی بدبگری
 میگفت : و آقا ، الاموس تکامل مکذب فرمایشات شما است .

در جنبی که به این و نه آن از اصول تکامل ، اصولی را که داروین انگلیسی ، در قسمت پیدایش انواع ، با دلایل مابین و قطعی تجهیز کرده و همپیدان مبارزه با طریقت‌های گهنگه فرستاده است ، خبری نداشته و جز چند کلمه که در مقالات جراید ، جست‌جسته در اینموضوع خوانده ، اطلاعی تحصیل نکرده اند ،

باری ، ما مقصودمان در این مقاله ، تشریح اصول تکامل نیست اصول تکامل *évolution* ، یعنی تغییرات بطی و تدریجی که در تمام موجودات اثر بارزه آنها برای بقا و بالنتیجه ازوم تطابق با محیط متغیر می‌جاورد ، ظهور می‌رسد ، امروزه مغز متفکرین و علمای ساینم افکار را قبح کرده است و دیگر در این دوره کسی نشینی برای تکذیب آن عمل نمی‌آورد زیرا که چنین تشبیهی را ترقیات علمی و فنی قرون اخیر و علمای اهل این قرن نوزدهم و ایستم ، پیش از وقت به عقیم شدن محکوم اموده است .

ولی ما برای اینکه صریح و صحیح باشم باید تذکردهیم که بعد از داروین بعضی از علمای طبیعی دیگر برای تکامل اصول تکامل تدقیقات مفید و با نمری بعمل آوردند . از آن جمله است دفریزه (*défrizé*) گیاه شناس آلمانی که مطالعاتی در طرف

تغییر انواع نباتات حاصل آورده و بالتبجه اصول موتاسیون mutation را که موضوع مقاله ما مربوط است کشف نمود.

عالم مزبور در نتیجه تجارب و مطالعات خود ثابت میکند که انواع نباتات در مبارزه خود برای بقا با محیط مجاور، مدتی تغییرات جزئی و غیر مرئی میکنند و پس از آن عده از آنها در مقابل محیط تغییر یافته مقاومت کرده و عده دیگر دوام میکنند و بکمتریه تغییراتی در وجود خود داده و زیاد میشوند.

بدین معنی، در تعقیب تغییراتی که در مقدار یا عبارت علمی امروزه در کیفیت و نبات حاصل میاید، پس از انقضای مدت معینی بطور نسبتاً ناگهانی تغییراتی در خاصیت یا کیفیت نباتات صورت میگیرد. این را میتوان انتقال کمیت به کیفیت نامید. این اصول یعنی تآوری (موتاسیون) تکذیب تکامل نیست بلکه مکمل آن میباشد و ثابت میکند که در دنبال تغییرات تدریجی و بطی که در انواع نباتات بر اثر لزوم تطابق با محیط مجاور بظهور میسرند (تکاملیه) یک تغییرات سریع و نسبتاً ناگهانی موجود است که انواع جدید و گوناگونی در نتیجه آن بوجود میآیند (انقلاب). این چیزی است که حیات اما میگوید. این اصولی است که

تجربه ، یعنی تنها وسیله اساسی که ما جهت مطالعه عام خارجی داریم ، اما می آموزد . تنها اصول (موتاسیون) و اکتشاف دفریزه هست که مؤید این قانون طبیعی میباشد . ما در زندگانی روزانه خودمان به حوادث و اتفاقاتی پرمخوریم . که انتقال کمیت با کیفیت را ثابت میکند . در این جا ما برای روشن کردن این بحث مثالهای چند ذکر میکنیم تا خوانندگان با دقت اوری انتقال کمیت به کیفیت ، بقدر کفاف آشنا شوند .

فرض میکنیم که ظرفی را پر از آب کرده و گرم میکنیم تا وقتی که حرارت آب با صد درجه (سالتی گراد) برسد آب جوش آید و به بخار تبدیل می گردد . اجزاء آن سخت تر با هم اصطکاک کرده و سرعت حرکت میکنند و این شکل بخار در نهایت با سرعت بسیار در اینجا فقط ناظر بیک حادثه هستیم که آنرا تغییر مقدار یا کمیت می نامند . اجزاء سریعتر حرکت میکنند ، درجه حرارت زیادتر میشود ، ولی آب همان آب است و تمام خواص مابقی خود را حفظ کرده است . در این موقع کمیت آب لا ینقطع تغییر میکند ولی کیفیت آن همان است که بود . حالا آب را تا صد درجه گرم میکنیم و حیوه میزان الحرارة تا نقطه تبخیر ، صعود میکند . تا گمان آب شروع به جوش

کرده و اجزاء متحرك و مجنون آن از خود ایسود شده و اشکل
 هزار صاعد میگرددند . آب ما زلدگی خود را بشکل آب خاتمه
 داده و هزار شده است . هزار دیگر کیفیت آب را ندارد . این
 چیز تازه که بدست آمده است بکلی خواص دیگری را دارا
 میباشد . در این تغییرات دو خاصیت مشاهده میگردد :

۱ - تغییر در کمیت وقتی بدرجهٔ مهمنی رسید باعث تغییر
 در کیفیت میگردد .

۲ - این انتقال کمیت به کیفیت که بتدریج بلکه بطور
 ناگهان صورت میگردد . (۱)
 يك مثال دیگر از عالم موجودات زاده ذکر کنیم .

اینجا در گیلان برای هر کسی مطالعه مدارج ابرو گرم ابریشم
 ممکن است ، گرم ابریشم پنج خوب دارد . دهاتپه‌ای رام و
 مسامت کار گیلان هر سال الاظر انقلاباتی که در حیات این
 گرم بظهور میرسد میباشد .

گرم ابریشم در موسم معینی بواسطهٔ حرارت طبیعی یا مصنوعی

(۱) افتباس از کتاب « اصول ماتریالیسم تاریخی » تالیف

در تخم شروع نمو میکند و ماده را که در توی تخم است با تمام مهرسالد. پس از آنکه تا میزان مہنی نمو کرد تخم را سوراخ کرده و یکمرتبه داخل مرحله جدیدی از زندگی میشود. (یک تغییر سریع و انقلاب) . بجای مواد توی تخم اړك توت میخورد و دوباره نمو میکند، بالاخره میرسد وقتی که در نتیجہ افزودن کمیت (اړك شدن و نمو گرم) جلد گرم مانع نمو بعدی او میشود. گرم بحالت احران می افتد، ساعتہای متمادی، غذای میخورد بالاخره پوستی را که مانع نمو او بود بطرز نسبتاً سریعی میگذارد و میگذرد. نمو آتیه او تامین شده است. چهار خواب بی دردی به این طریق در عرض سی الی چهل روز صورت می گیرد. در دلبال این حیات کوتاه و پر از انقلاب پبله درست می شود. گرم دراز و زحمت کش بدور خود می تند و در میان پبله کوچک پیشود (تغییر کمیت اطرف نقصان) این کوچک شدن بعد از مدتی به تغییر کیفیت منجر میگردد و خواب پنجم که استماله

metamorphose هم نامیده میشود. سر میرسد:

در خوابهای اولی بعد از هر دفعه عوض کردن پوست اعضاء

سابقہ بحال خود باقی مانده و فقط شدتی در طرز ازدیاد کمیت

بظهور میرسد ، در صورتیکه خواب پنجم یعنی تغییری که در توی
 پیله صورت می گیرد يك استحال اساسی محسوب میشود و همین
 تغییرات است که در آتیه به پروانه اجازه میدهد ، زلدگی دیگری
 را تعقیب کرده و مشاغل تازه را که از هر جهت با مشاغل کرم تفاوت
 دارد ایفاء کند. خلاصه در زیر پوست کرم يك جدار دیگری نمودار
 میشود. چیزی نمی آید که پوست کرم در موضع سرشکاف خورده
 و در نتیجه تورم و تشنج است پی در پی حیوان محتوی آن یعنی
 دیوک که هیچ شباهتی با کرم ندارد ، ظاهر می شود (انقلاب
 و تغییر سریع) . در نتیجه این انقلاب مقدمه اعضای جدید ،
 اعضای که در بدن کرم اهدا وجود نداشته است ، پیدا میشود.
 از قبیل بال و چشم های مرکب (مخصوصاً بال پروانه) و اعضای
 تناسلی و کار آمد ، و قابل پرواز فعالیت و غیره و غیره .
 ضمناً بسیاری از اعضاء سابق فکار و بیگار و حاضر برای مرگ
 شده اند : سرگذشت پر آشوب کرم اربشم در اینجا خاتمه پیدا
 نمیکند . اعضاء جدید الولاده دیوک Chrysalide نمو می کنند
 و در داخل و خارج این موجود جدید تغییرات تدریجی بظهور
 میرسد ، تا اینکه موقع خروج پروانه میرسد ، پروانه که طرز

تفس و تغذیه و بالآخره اغلب شرایط حیاتی غیر از کرم و دیوک است .

پوست دیوک از سر تا انتهای بدن شکاف میخورد . و پروانه آن موجود جدیدی که بتدریج در آن تنگنا تشکیل شده بود ، از زور و بیرون می آید (انقلاب و تغییر سریع) . برای نرم کردن الیاف پیله مابعد فرمز رنگی از خود خارج می کند و پس بعد با های خود نفع های پیله را کنار کسوده و انضت سر و وینه پاهای جلو را بازم ازور (واه بتدریج و ملائمت) از پیله خارج می کند . بعد این پاها لقطه انگارگی در اشباه مجاور پیدا می کند و پس از چند تلاشی تمام بدن خود را از زندان پیله بیرون می آورد . این دیگر موجود نازم نیست که له با کرم واه با دیوک قابل تشبهه امید باشد .

هر گاه اتفاقا یکی از امراض منهد ، کرم ابریشم یا دیوک را زمین می کرد ، او در خود قدرت آرا می یافت که این انقلابات را انجام دهد و بالآخره بدون اینکه در سر نوشت و طویش را با انجام رساله می مرد .

برای کسانی که با اصول انتقال کمیت به کیفیت یا « انقلاب » دانسته یا ندانسته مخالفت میکنند و با دلایلی فوق متقاعد نمیشوند ما گفته های یکی از علمای اجتماعی آلمان را نقلی و ثابت میکنیم که ایشان نشو و نما و زندگی خود را در روی زمین این انقلاب، يك انقلاب تمام عیارى بقرروند . این انقلاب اگر وقوع نیافته و یا تاخیر میافتد (با زیاده پیش از وقت صورت می گرفت) ایشان امروز وجود نداشته که بناحق با این اصول نبرد کنند .

باری عالم مزبور (۱) میگوید :

« عمل زایش (وضع حمل) خود يك انقلاب است . جنین يك جزء از بدن مادر است . دوران خون در بدن مادر و جنین یکجا صورت میگیرد . جنین غذای خود را از بدن مادر میگیرد و تنفس میکند . جنین موجودی بلافاصله در موقع وضع حمل يك موجود مستقل انسانی مبدل میشود که دارای دوران خون مستقل بوده و تنفس میکند و فریاد می کشد و از طریق مجاری امعاء غذای خود را قبول و دفع میکند »

(۱) نقل از کتاب « انقلاب اجتماعی la revcolituon sociale » تألیف کارل کائوتسکی karl kautcky - سوسیال دموکرات آلمانی

بعضی از اعضا، چنین استدلال می‌کنند و می‌گویند او فقط در موقع وضع
 حمل را که آن مشغول بکار شدن و در مشغول معینی را انجام می‌دهند
 با اعضا چنین در واقع هم دادند هر قدر امور می‌کنند باز ممکن است
 بدون این عمل انقلابی (وضع حمل) بدان کار افتاده و نشانی در
 انجام دهند. این عمل انقلابی در مرحله معینی از ترقی و تکامل
 جنین (غیر قابل اجتناب است) تا شیر خوردن (ارتقاء) می‌باشد
 در جایی که می‌باید تقریباً (والله اعلم) تقریباً برای اینکه هر دسته از
 حوادث برای خود قوانین مخصوصی دارد که باید جداگانه مطالعه
 کرد و مبتدیان قوانین انقلابی را نمی‌توانند همانند دیگر در انقلابات
 را چنانکه می‌دانند قائل شوند. هر چند مراحمه می‌توانند در این جامع هم انقلاب
 ایجاد کنند و تکامل آنها نیز بی‌شک و در نتیجه می‌تواند به یک نوع تعجب و تعجب
 و همان‌طور که در این جامع می‌تواند تغییرات اساسی فراهم کند این است
 بدون انقلاب او به تدریج به صورت دیگر در این طبقه از عین حکومت است
 بعد از این تدریج غلظت بیشتر که بیرون را هم می‌تواند و این طبقه
 یک طبقه کم کم خارج و به تدریج خدایان را طبقه دیگر انداخته و

همانطور که ممکن است در شرح در طرف یک مدت از مادی (اول)
 - Karl Kautsky - در کتاب "The Social Basis of the
 سر طفل آمد اعضا دیگر آن خارج شده و تدریجاً به شکل انجام

وظایف شوند بنابرک اشکال متکرر اکبریم که با اینطور است باقی است اما

در نظر گرفتن کلیات و جزئیات و نیز انجام وظایف

و شیر خوردن است در صورتیکه و باها هنوز بیرون نباشد

و مستطری اندکی آقا بآن دستگیر می شد و نه مخالفین را که اوردی آنقلابی

از اقله نظر که اصول تکاملی و تدربیع است به آنها اجازه خروج میدهند

ماید ان اقرار کلیم که بدون انقلاب و عمل از این روش و بطریق تدربیع

مالاظر یک حادثه مولما و نجیبی خواهم شد و آن مرتکب فعل او زاده و مادر او است

۱۴ - هـ: پنج

۱۵ - هـ: پنج (وقتی در وقت)

۱۶ - هـ: پنج (وقت در وقت)

۱۷ - هـ: پنج (وقت در وقت)

۱۸ - هـ: پنج (وقت در وقت)

۱۹ - هـ: پنج (وقت در وقت)

۲۰ - هـ: پنج (وقت در وقت)

۲۱ - هـ: پنج (وقت در وقت)

۲۲ - هـ: پنج (وقت در وقت)

۲۳ - هـ: پنج (وقت در وقت)

